

## سلام کودکانه

### فر فره ای های مهر بون سلام



سلام دوست جونی های فر فره ای، حال و احوال تون چطوره؟ حالا که امتحاناتون تموم شده یا داره تموم میشه امیدوارم که توی نتایج سربلند و پیروز باشید. دوست های خوبم امیدوارم آخر هفته خوبی داشته باشید و فصل تابستون و فراغت تون رو به خوبی شروع کرده باشید. راستی این هفته با کلی شعر و قصه و سرگرمی اومدیم سراغتون، حتما صفحه امروز رو بخونید و به دوستانتون هم معرفی کنید. بعدش با کمک بزرگ ترها از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ یا ارسال پیام به تلگرام ما ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶، برامون نقاشی و شعر بفرستین و بگین نظرتون درباره صفحه چیه.

### احساسات من

#### این قسمت هیجان



سلام بچه های عزیز، من زینب هستم، یکی از احساسات من هیجانه که می خوام درباره اش با شما صحبت کنم. من هیجان رو دوست دارم، مثلا وقتی توی پارک سوار تاب هستم و روی هوا میرم خیلی هیجان دارم یا لحظه ای که از سرسره پایین میام. یک وقت هایی هم که تیم مورد علاقه ام یعنی پرسپولیس مسابقه داره تا لحظه سوت پایان هیجان دارم اما وقتی برنده میشه خوشحال میشم.

شما با چه چیزهایی هیجان زده میشین؟ با کمک بزرگ ترها به ما از طریق تلگرام پیام بدین و از احساساتتون مثل هیجان، شادی و ترس بگین.

### این من هستم

#### ونلوپ در آشپزخانه!

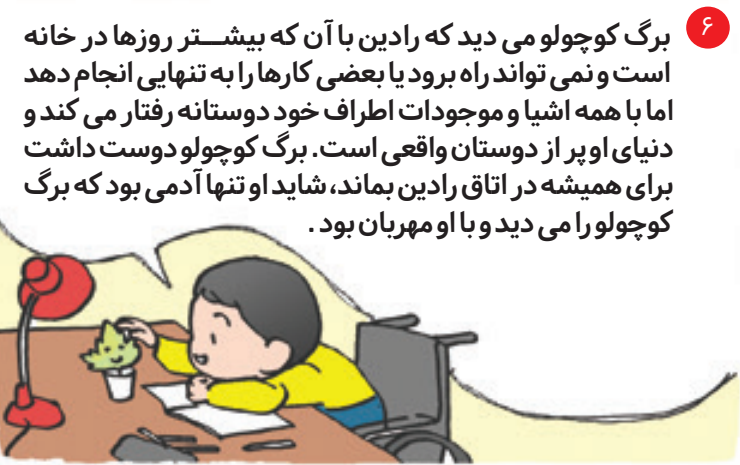
سلام دوست های خوبم، من «رمیصا آتشکار»، ۵ سالمه و عاشق نقاشی کردن هستم، دوتا داداش دارم که یکی از اون ها بزرگ تر ویکی شون از من کوچولوتره. من هردوای اونارو خیلی دوست دارم. داداش بزرگم که اسمش امیرحسینه همیشه به من کلی چیزهای جدید مثل خوندن عددها تا ۲۰، نقاشی کردن و شعر یاد می ده. با آراد کوچولو هم همیشه کلی بازی می کنیم و می خندیم. من عاشق شهر بازی ام و کارتون دیدن، به خصوص اگر هر سه تامون یک فیلم رو ببینیم. همیشه دوست دارم شبیه ونلوپ توی کارتون «رالف خرابکار» بشم! چون خیلی پر هیجان و باهوشه. راستی من از آشپزی کردن هم خیلی خوشم میاد و همچنین خوردن سیب زمینی سرخ شده.



### قصه تصویری

#### برگ و باد

دیروز ظهر صدای باد توی کوچه های شهر، لابه لای درخت ها و میان گل ها پیچیده بود...



## قصه

### دوقلوهای فوتبالیست

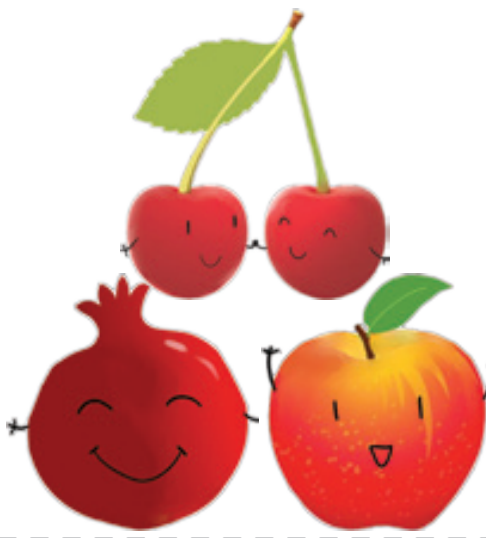
سعید و وحید داداش دوقلوی کاملاً شبیه هم هستن و حتی مثل هم لباس می پوشن. یک روز که همه خانواده تو خونه مادر جون جمع شده بود، قرار شد پسر خاله ها با هم فوتبال بازی کنن. سعید رفت توی یک تیم و وحید توی تیم دیگه. بازی که شروع شد پسر خاله ها سعید و وحید رو با هم قاطی می کردن. مثلاً به جای سعید که توی تیم خودشون بود به وحید که تو تیم مقابل بود پاس می دادن. این جوری بود که یک تیم یک عالمه گل زد. اون روز سعید که تیم شون باخته بود خیلی ناراحت شد. برای همین مامان شون فکری به ذهنش رسید. دو تا لباس تیم ملی خرید، پیراهن سعید شماره ۹ بود و شماره وحید ۱۱. راستی می دونستین میلاد محمدی بازیکن تیم ملی یک داداش دوقلو داره که اونم فوتبالیسته؟



### با من یاد بگیر

#### چستان شعر میوه ها با آموزش انگلیسی

دوستان خوبم، می خوام چند تا میوه خوشمزه رو همراه با شعر بهتون معرفی کنم تا با این میوه ها و معادل انگلیسی شون آشنا بشین. موافقین؟ (به عنوان راهنمایی نقاشی میوه ها رو براتون گذاشتم، اسم فارسی و انگلیسی شون هم توی همین صفحه نوشته شده)



تاج قشنگی دارم  
دونه رنگی دارم  
خوشمزه و شیرینم  
اسمو بگو ببینم؟

فارسی:

انگلیسی:

منم شیرین و ریزه  
مزه ام خیلی لذیذه  
شبیه یک گوشوارم  
رو شاخه ها سوارم

فارسی:

انگلیسی:

من میوه بهشتم  
سرخ و سفید و گردم  
خوش بوام و شیرینم  
واسه همه مفیدم

فارسی:

انگلیسی: